



<p>نام و نام خانوادگی: مقطع و رشته: دهم ریاضی و تجربی شماره داوطلب: تعداد صفحه سؤال: ۳ صفحه</p>	<p>جمهوری اسلامی ایران اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۶ تهران دبیرستان غیردولتی دخترانه </p>	<p>نام درس: فارسی نام دبیر: فاطمه محمدی تاریخ امتحان: ۱۳۹۶/۱۰/۱۸ ساعت امتحان: ۸ صبح / عصر مدت امتحان: ۸۰ دقیقه</p>
---	---	--

ردیف	نمره	سؤالات
۱	۱.۵	<p>الف</p> <p>قلمرو زبانی واژگان مشخص شده را معنا کنید. <u>فروغ</u> رویت اندازی سوی خاک عجایب نقشها سازی سوی خاک (.....) راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل <u>یله</u> (.....) <u>مخدول</u> و نالان استرحام می کرد. (.....) معلم که از <u>مخمصه</u> رسته بود. (.....) دست معلم از <u>وقب</u> حیوان روان شد. (.....) زیرا در میان دوزخ جمع بود : هم <u>فرقت</u> بود ، هم وصلت (.....)</p>
۲	۰.۲۵ ۰.۲۵ ۰.۲۵ ۰.۷۵	<p>ب</p> <p>واژگان نادرستی های املایی زیر را مشخص کرده و درست آن را بنویسید. - در مقابله لعیمی ، کریمی کرد - وین بوم مهنت از پی آن تا کند خراب بر دولت آشیان شما نیز بگذرد - و از آن دهان که حرای شیر می خروشید کلمات کودکانه تراوید. - کرک سرقلم را وغار و طمعیننه تمام پاک کرد و بر خلاف عادت معلوف ، یک کیف حلبی به مدرسه آورد</p>
۳	۱	<p>پ</p> <p>دروستی یا نادرستی جمله زیر را تعیین کنید . هم خانواده واژه " مشوش " ، تشویش است . مترادف واژه " کید " ، دشمنی است . متضاد واژه " نهایت " واژه بدایت است . جمع واژه . هرم ، " احرام " است . درست نادرست</p>
۴	۱	<p>د</p> <p>واژگان مشخص شده زیر را از نظر ساختمانی بررسی کنید . هیچ فرمانروا را ندیده بودم ، که پای افزاری وصله دار به پا کند گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز گفتا ز خوبرویان این کار کمتر آید بار اول که پیر مرد را دیدم در کنگره <u>نویسندگان</u> بود که خانه فرهنگ شوروی در تهران علم کرده بود(.....) مارا به <u>روننگاری</u> آن وا می داشت .(.....)</p>

<p>۰,۷۵</p> <p>۰,۷۵</p> <p>۰,۵</p>	<p>ج</p> <p>نقش واژگان مشخص شده زیر را بنویسید . - مرا <u>حدیثی</u> از <u>اسب پرداز</u> <u>معلم</u> در یاد است . (.....) ، (.....) ، (.....)</p> <p>- نوع "که" در عبارت (از تو در شگفت هم نمی توانم بود <u>که</u> دیدن بزرگی ات را ، چشم کوچک من ، بسنده نیست) چیست؟ <u>توضیح دهید</u> .</p> <p>- نوع "را" در عبارت زیر چیست ؟ و بر مبنای نوع "را" نقش واژه مشخص شده را تعیین کنید . <u>"معلم را عادت بود که نقشه نیم کاری را با خود به کلاس آورد."</u></p>
<p>۳</p>	<p>ی</p> <p>قلمرو ادبی با توجه به واژگان مشخص شده آرایه شاخص را بنویسید . <u>تا عالمیان بدانند که هرگز کید کایدان با خواسته خداوند غیب دان برابر نیاید</u> <u>گفتم غم تو دارم گفتا غمت سر آید</u> <u>گفتم که ماه من شو گفتا اگر بر آید</u> چگونه می توان به شمشیری <u>دریایی</u> را شکافت ؟ در احد که <u>گل بوسه زخم</u> ها تنت را دشت شقایق کرده بود.</p>
	<p>ن</p> <p>با توجه به بیت ها و جمله های زیر به موارد خواسته شده پاسخ دهید. <u>جمله اول : قصه حال یوسف را نیکونه از حسن صورت اوگفت ، بلکه از حسن سیرت او گفت</u> <u>بیت دوم : مگراز کدام باده مهر مست بودی / که با تازیانه هشتاد زخم بر خود حد زدی؟</u></p> <p>بیت سوم : آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بیت چهارم : بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم بیت پنجم : بادی که در زمانه بسی شمع ها بکشت بیت ششم : ولیک چنان خیره و خاموش ماند</p> <p>بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد تا سختی کمان شما نیز بگذرد هم بر چراغدان شما نیز بگذرد کز همه شیرین سخنی گوش ماند</p> <p>- در جمله اول یک نوع سجع بیابید و نوع آن را تعیین کنید. - در بیت دوم ، مراعات النظیر در بین کدام واژه ها دیده می شود؟ - در بیت سوم ، یک نوع تشبیه بیابید . - در بیت چهارم ، یک نوع کنایه بیابید. - در بیت پنجم ، دونوع استعاره بیابید. - در بیت ششم ، یک نوع حس آمیزی بیابید.</p>

۲	<p>م حفظ شعر</p> <p>قسمتهای خالی را پر کنید.</p> <p>الف) گه نعره زدی بلبل گه جامه دریدی گل با یاد تو افتادم از یاد برفت آنها</p> <p>ب).....</p>
۱ ۱ ۱ ۱	<p>ک قلمرو فکری</p> <p>بیت ها و جمله های داده شده را به نثر روان امروزی تبدیل کنید.</p> <p>گل از شوق تو خندان در بهار است از آتش خنده های بی شمار است</p> <p>از روی نیکوش حبس و چاه آمد و از خوی نیکوش، تخت و گاه آمد</p> <p>بدان کوش تا به هر محالی از حال و نهاد خود بنگردی که بزرگان به هرق و باطلی از جای نشوند</p> <p>گفتم که بر خیالت راه نظر ببندم گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید</p>
۰.۷۵ ۰.۵ ۰.۵	<p>گ</p> <p>منظور از قسمتهای مشخص شده را بنویسید.</p> <p>ای تو <u>رَمه</u> سپرده به <u>چوپان</u> گرگ طبع این <u>گرگی</u> <u>شبان</u> شما نیز بگذرد</p> <p>گفتم ز <u>مهرورزان</u> رسم وفا بیاموز گفتا ز <u>خوبرویان</u> این <u>کار</u> کمتر آید</p> <p>زلیخا از عشق و <u>درد</u> او بی قرار بود.</p>
۰.۵ ۰.۵ ۰.۵ ۰.۷۵	<p>ه</p> <p>مفهوم کنایی عبارتهای زیر را بنویسید.</p> <p>الف) تا مگر او را هلاک کنند تا <u>عالم</u> از <u>آثار</u> وجود او پاک کنند</p> <p>ب) <u>خواب</u> که از چشمم پرید و از گوشم.</p> <p>ج) ما را دمکی زیادت تر در گرمابه گذارد که <u>شوخ</u> از خود باز کنیم.</p> <p>در بیت زیر به کدام باور مردم در گذشته اشاره دارد ؟</p> <p>ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن تاثیر اختران شما نیز بگذرد</p>

جمهوری اسلامی ایران اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۶ تهران دبیرستان غیردولتی دخترانه 		نام درس: فارسی نام دبیر: فاطمه محمدی تاریخ امتحان: ۱۸ / ۱۰ / ۱۳۹۶ ساعت امتحان: ۸ صبح / عصر مدت امتحان: ۸۰ دقیقه		پاسخ نامه سوالات
۳	راهنمای تصحیح	۱	۱	
۱,۵	مخذول: خوار، زبون گردیده فرقت: دوری	پله: رها دست معلم از <u>وقب</u> : فرورفتگی دور چشم	فروغ: نور، روشنایی مخمصه: گرفتاری	الف
۱,۵		طمانینه عادت مالوف		ب
۱		ندرست، نادرست، درست، جمع واژه، هرم "احرام" است. نادرست، چون با "ح" نوشته شده است و اهرام درست است.		پ
۱		پای افزار: پای + افزار: مرکب، خوب + روی = مرکب، وندی (نویس + نده + ان)، رو + نگار + ی (وندی - مرکب)		د
۲		نهاده / متمم / مضاف الیه بیان علت. چون معنای "زیرا" می دهد فک اضافه / مضاف الیه "معلم را عادت بود که نقشه نیم کاری را با خود به کلاس آورد."		ج
۳		مجاز از همه مردم ایهام: (۱) طلوع کند (۲) اگر بتوانم (بشود) استعاره از پیشانی حضرت علی (ع) گل بوسه زخم ها: اضافه تشبیهی		ی
		صورت، سیرت: سجع متوازی باده، مست، تازیانه، حد آب اجل ز تحمل سپر کردن: کنایه از مقاومت کردن / سختی کمان: کنایه از ستم بیش از حد مغولان (هر کدام را بنویسند صحیح است زیرا یک نمونه خواسته شده) شمع: استعاره از سلطنت پادشاهان عادل / چراغدان: استعاره از سلطنت حاکمان مغول شیرین سخنی		ن
۲		بعد از تو روا باشد نقض همه پیمانها	ب تا عهد تو در بستم عهد همه بشکستم	م
۴		گل به اشتیاق وجود تو در بهار می شکفتد و به همین دلیل (گلهای زیادی در بهار) شکوفا می شود به خاطر چهره زیبایش (در کودکی) در چاه زندانی شد. و به خاطر اخلاق خویش، به سلطنت رسید کوشش کن تا به هروسيله ناممکن و غیر طبیعی آشفته و عصبانی نشوی. چون بزرگان، به هر کار درست و نادرستی، آشفته نشود. به معشوق گفتم دیگر به تو فکر نمی کنم و فراموش می کنم. او گفت: فکر و خیال من مانند دزد به سراغت می آید		ک
۱,۷۵		مردم / پادشاهان ستمگر / ستمگری پادشاهان / وفاداری / فراق و دوری یوسف.		گ
۲,۲۵		از بین ببرند (قتل برسانند) کاملاً هوشیار شدم یعنی چرک را از خود بزدايم اشاره دارد به اعتقاد ایرانیانم قدیم به تاثیر اجرام آسمانی بر زندگی		ه